



# طراحی مبانی نظام ارزیابی عملکرد سازمان‌های فرهنگی

دکتر محمد صالح اولیا



۴- فرایند ارزیابی جهت ارزیابی سه مرحله پیش بینی گردیده است: خودارزیابی - ممیزی - و تصویب نهایی که در مقاله به هر سه مورد پرداخته شده است.  
۵- امتیازدهی

در این قسمت عناصری جهت امتیاز دهی به معیارهای حوزه های نه گانه توانمند سازها و نتایج معرفی می گردند. مزیت قابل توجه در استفاده از این عناصر، توانایی سنجش کیفیت و کمیت عملکرد می باشد.  
۶- دوره ارزیابی

در تعیین دوره ارزیابی عوامل متعددی مدنظر قرار می گیرند. در مجموع با توجه به لزوم بویابی سازمانها دوره خود ارزیابی سازمانها بصورت سالیانه ولی انجام ممیزی بصورت دوسالانه خواهد بود.

۷- بازنگری نظام هر سیستمی هر چند که در طراحی و پیاده سازی آن نهایت دقت صورت گرفته باشد، نیازمند بازنگری و اصلاح می باشد. تشخیص به موقع اصلاحات مورد نیاز و برنامه ریزی جهت انجام آنها از طریق فعالیت کارشناسی به عهده هیئت مرکزی خواهد بود.

۸- تحلیل مدل پیشنهادی در ادامه، مدل پیشنهادی با خواسته ها و سیستم های موجود مقایسه گردیده است.

۹- جمع بندی بطور کلی مشخصات و مزایای نظام پیشنهاد شده را می توان بصورت زیر بیان کرد:

هدف از ارزیابی بهبود و تعالی عملکرد سازمان است، نه صرفاً اهداف نظارتی و کنترلی جامعیت، به دلیل توجه به جنبه های مختلف عملکرد و مدیریت سازمان

انعطاف پذیری، به خاطر پوشش انواع سازمانهای فرهنگی

تکیه بر خود ارزیابی سازمانها مبتنی بر ارزیابی توسط نخبگان حاکمیت شاخص های کیفیتی به جای شاخص های کمی عملکرد

درجه بندی به جای رتبه بندی امکان مقایسه با تجارب موفق جهانی

عین حال با توجه به ویژگی های خاص سازمانهای فرهنگی نیاز به تطبیق مدل می باشد. بدین منظور مفاهیم بنیادی این مدل مانند نتیجه گرایی، تمرکز مشتری، رهبری و ثبات در مقاصد، مدیریت براساس فرایندها و واقعیتها، مشارکت و توسعه کارکنان، بهبود یادگیری و نوآوری مستمر، توسعه شراکت ها و مسئولیت های عمومی در مورد خاص سازمانهای فرهنگی تعریف شده و حوزه های ارزیابی در ۱۰ حوزه در دو دسته کلی توانمند سازها و نتایج، دسته بندی شده اند. هر یک از حوزه ها در مورد سازمان فرهنگی جداگانه تعریف شده است.

۱- مشخصه های نظام ارزیابی - اهداف ارزیابی - درجه بندی سازمانهای فرهنگی - تخصیص آگاهانه بودجه - شناسایی نقاط قوت و ضعف - تدوین / اصلاح مقررات - افزایش انگیزه - دامنه کاربرد سطح مدیریت فرهنگی - حوزه های فرهنگی کشور

۲- کارکنان ارزیابی - هیئت مرکزی (مدیریت نظام ارزیابی) طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی وظیفه ارزیابی وضع فرهنگی کشور به عهده هیئت نظارت و ارزیابی علمی و فرهنگی این شورا می باشد. این هیئت، مجموعه وظایف مرتبط با تدوین جزئیات، استقرار نظام ارزیابی، مدیریت فعالیتهای راهبردی و نظارتی نظام و تصویب نتایج ارزیابی را به عهده خواهد داشت.

۳- کمیته های کارشناسی همتراز خوانی (ارزیابی همگنان یا ارزیابی توسط نخبگان) یا کمیته مشورتی رویکرد مهمی است که تقریباً در اکثر نظام های مطرح ارزیابی از آن استفاده می شود. در نظام ارزیابی فرهنگی، هر حوزه فرهنگی دارای یک کمیته ارزیابی خواهد بود.

۴- سازمانهای فرهنگی ارزیابی عملکرد هر سازمان در ابتدا توسط منتخبی از کارشناسان داخلی هر سازمان صورت می پذیرد.

۵- که باعث پیشرفت همه جانبه در چارچوب اولویتهای نظام می شود. فرهنگ عمومی بر نهادهای سیاسی و نهادهای سیاسی بر شکل دهی فرهنگ عمومی تاثیر دارند. فرهنگ عمومی بر فرهنگ اسلامی تاثیر می گذارد و از آن تاثیر می پذیرد. به همین ترتیب صدا و سیما و رسانه ها می توانند بر شکل دهی فرهنگ مناسب تاثیر گذار باشند.

۶- صدا و سیما از طریق ارائه الگوهای مناسب فرهنگی، اسلامی و ملی و با تشریح معایب به صورت غیر مستقیم و تاثیر گذار می تواند بر شکل دهی فرهنگ مناسب تاثیر گذار باشد. خود خانواده تحت تاثیر صدا و سیما، رسانه ها؛ مطبوعات و هنر قرار دارد. بدین ترتیب یک تاثیر و تائری بین اینها برقرار

مقاله حاضر نتایج یک طرح پژوهشی را ارائه می دهد که در آن نظامی جهت ارزیابی سازمانهای فرهنگی طراحی شده است. بدین منظور پس از بررسی مدل های ارزیابی، مبانی فرهنگ، و سیستم های موجود ارزیابی فرهنگی در کشور، چهارچوب مفهومی نظام ارزیابی تعیین گردیده است. همچنین مجموعه ای از نیازها و الزامات مورد نیاز جهت استقرار نظام ارزیابی سازمانهای فرهنگی، بیان شده اند.

ارزیابی های صورت گرفته از سازمانها و مراکز فرهنگی در ایران، عمدتاً بصورت مقاله یا گزارش عملکرد بوده است. در مجموع، نظامی که توانایی تحلیل و ارزیابی عملکرد تمامی سازمانهای فرهنگی را از نظر کمی و کیفی، و با دیدگاه سیستمی و نتایج قابل استفاده در برداشته باشد، وجود ندارد. اما به نظر می رسد رویکرد جدیدی در حال شکل گیری است. برای نمونه می توان به مطالعات انجام شده در این زمینه اشاره کرد. در این مقاله رویکرد و اهداف کلان ذیل در طراحی نظام ارزیابی مدنظر بوده است:

سیستمی هماهنگ و کارآمد جهت ارزیابی تمامی سازمانهای فرهنگی (باهر زمینه فعالیت) ارزیابی همه جانبه سازمانهای فرهنگی (توجه به تمامی ابعاد و معیارهای ممکن)

امکان پیشنهاد راهکارهای مناسب جهت رفع مشکلات و کمک به ارتقاء معیارهای فرهنگی کمک به تخصیص آگاهانه بودجه

مقاله در بخش مبانی نظری، به چکیده ای از مطالعات صورت گرفته در مجموعه اصطلاحات مرتبط با فرهنگ، سازمان فرهنگی مدل های ارزیابی عملکرد اشاره می کند و در ادامه به تعیین مدل ارزیابی می پردازد.

هنگامی که سخن از ارزیابی به میان می آید دو سوال اساسی مطرح می گردد: چه مواردی ارزیابی می شوند؟ و چگونه ارزیابی می شوند؟ که در دو عنوان مدل ارزیابی و نظام ارزیابی به این سوالات پاسخ داده می شود.

۷- تعیین مدل ارزیابی: در مقاله پس از بررسی ویژگی های مدل های جویایز کیفیتی، از آنها به عنوان مدل پایه استفاده می شود و از بین آنها به نظر می رسد مدل جایزه کیفیت اروپا (EFQM) تطابق بهتری را با سازمانهای فرهنگی دارا می باشد. اما در امر می خواهیم که عوامل موثر بر فرهنگ را از زاویه فرهنگ اسلامی بیان نمایند و عوامل موثر و تاثیرگذار بر فرهنگ عمومی را از زاویه ملی و سنتی تشریح کنند.

بعد ما این عوامل را خلاصه سازی می کنیم و به مدل می رسیم. یعنی ابتدا فرضیه وجود ندارد بلکه ابزارهای آن مصاحبه های غیر ساختار یافته و نیمه ساختار یافته و روشهای مردم شناسی است. از دیدگاه مقام معظم رهبری و صاحب نظران؛ فرهنگ امری مهم و انکارناپذیر است. از سوی دیگر: متخصصین فرهنگ به این نتیجه رسیده اند که مقایسه فرهنگ سنتی با فرهنگ جهانی کاری عبث و بیهوده است. گسترش فرهنگ الهی باید مبتنی بر گفتار عدالت در سراسر جهان باشد.

منظور ما از فرهنگ عمومی مناسب فرهنگی است

است. صدا و سیما بر شکل دهی سرمایه اجتماعی هم می تواند تاثیر مثبت داشته باشد. اساطیر اجتماعی، وطن دوستی، اعیاد ملی و باستانی و ادبیات می توانند بر شکل دهی فرهنگ مناسب در بعد ملی تاثیر مثبت داشته باشند. اینترنت و ماهواره هر دو تحت تاثیر امپریالیسم فرهنگی غرب و ناتوی فرهنگی می توانند بر فرهنگ عمومی تاثیر نامطلوب داشته باشند. سازمانهای منطقه ای و فن آوریهای نوین هم می توانند بر فرهنگ عمومی تاثیر مثبت داشته باشند.

۸- که باعث پیشرفت همه جانبه در چارچوب اولویتهای نظام می شود. فرهنگ عمومی بر نهادهای سیاسی و نهادهای سیاسی بر شکل دهی فرهنگ عمومی تاثیر دارند. فرهنگ عمومی بر فرهنگ اسلامی تاثیر می گذارد و از آن تاثیر می پذیرد. به همین ترتیب صدا و سیما و رسانه ها می توانند بر شکل دهی فرهنگ مناسب تاثیر گذار باشند.

۹- صدا و سیما از طریق ارائه الگوهای مناسب فرهنگی، اسلامی و ملی و با تشریح معایب به صورت غیر مستقیم و تاثیر گذار می تواند بر شکل دهی فرهنگ مناسب تاثیر گذار باشد. خود خانواده تحت تاثیر صدا و سیما، رسانه ها؛ مطبوعات و هنر قرار دارد. بدین ترتیب یک تاثیر و تائری بین اینها برقرار

۱۰- که باعث پیشرفت همه جانبه در چارچوب اولویتهای نظام می شود. فرهنگ عمومی بر نهادهای سیاسی و نهادهای سیاسی بر شکل دهی فرهنگ عمومی تاثیر دارند. فرهنگ عمومی بر فرهنگ اسلامی تاثیر می گذارد و از آن تاثیر می پذیرد. به همین ترتیب صدا و سیما و رسانه ها می توانند بر شکل دهی فرهنگ مناسب تاثیر گذار باشند.

۱۱- صدا و سیما از طریق ارائه الگوهای مناسب فرهنگی، اسلامی و ملی و با تشریح معایب به صورت غیر مستقیم و تاثیر گذار می تواند بر شکل دهی فرهنگ مناسب تاثیر گذار باشد. خود خانواده تحت تاثیر صدا و سیما، رسانه ها؛ مطبوعات و هنر قرار دارد. بدین ترتیب یک تاثیر و تائری بین اینها برقرار

۱۲- که باعث پیشرفت همه جانبه در چارچوب اولویتهای نظام می شود. فرهنگ عمومی بر نهادهای سیاسی و نهادهای سیاسی بر شکل دهی فرهنگ عمومی تاثیر دارند. فرهنگ عمومی بر فرهنگ اسلامی تاثیر می گذارد و از آن تاثیر می پذیرد. به همین ترتیب صدا و سیما و رسانه ها می توانند بر شکل دهی فرهنگ مناسب تاثیر گذار باشند.

۱۳- که باعث پیشرفت همه جانبه در چارچوب اولویتهای نظام می شود. فرهنگ عمومی بر نهادهای سیاسی و نهادهای سیاسی بر شکل دهی فرهنگ عمومی تاثیر دارند. فرهنگ عمومی بر فرهنگ اسلامی تاثیر می گذارد و از آن تاثیر می پذیرد. به همین ترتیب صدا و سیما و رسانه ها می توانند بر شکل دهی فرهنگ مناسب تاثیر گذار باشند.